

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۸۵

جمعه ۱۴ آبان ۱۳۹۵، ۴ نوامبر ۲۰۱۶

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

ایران: دومین کشور غمگین جهان!

سنت اسلامی تجاوز: از خالد بن ولید تا سعید طوسی!

صفحه ۷

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر، صفحه ۸

مراکش در اعتراض عمومی

صفحه ۳

نامه اتحادیه کارگران تولیدی استرالیا

(AMUW) به آی ال او

اعتراض به احکام شلاق کارگران آق دره و طرح خواست آزادی کارگران زندانی، ص ۸

کارکنان مخابرات همراه با خانواده های خود سه روز مقابل مجلس تجمع کردند

صفحه ۱۰

نوع: انسان

شغل: برده مخابرات

تحصیلات: لیسانس برق و الکترونیک

حقوق: نهصد هزار تومان

حساب مردم از ناسیونالیست‌ها جداست

مصاحبه با حمید تقوایی در رابطه با تجمع مردم در پاسارگاد

صفحه ۴

مجرم رده اول سعید طوسی نیست

اصغر کریمی، صفحه ۹

سعید مرتضوی به ۱۳۵ ضربه شلاق محکوم شد

کاظم نیکخواه، صفحه ۱۰

جنبش اعتراضی کارگری علیه "اصلاحیه قانون کار"

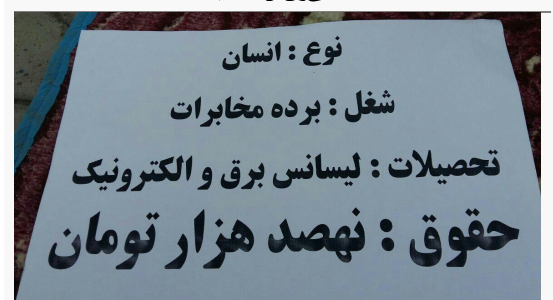
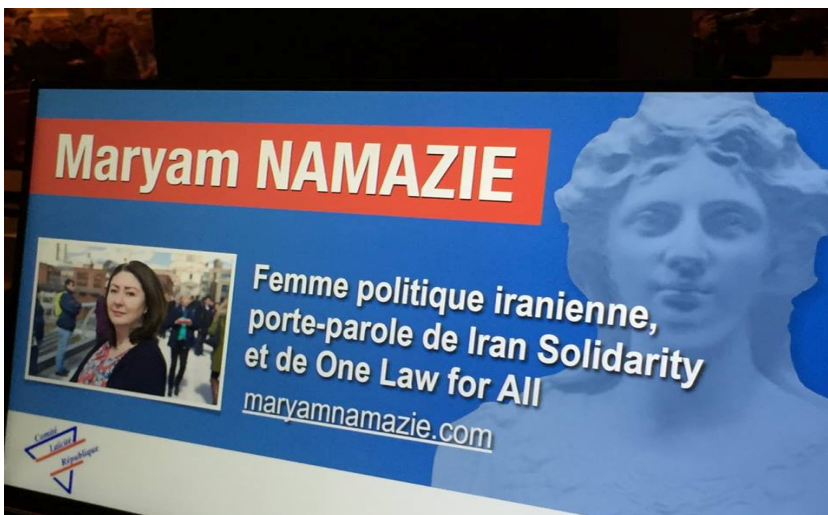
شهلا دانشفر، صفحه ۳

در دفاع از لائیسیته: زندگی ما به آن وابسته است

متن سخنرانی مریم نمازی در مراسم دریافت جایزه سکولاریسم بین المللی در پاریس

صفحه ۲

پیام حمید تقوایی به مریم نمازی





پیام حمید تقوایی به مریم نمازی به مناسبت دریافت جایزه لائیسیتیه فرانسه

جانبه علیه ارتجاع و تحجر مذهبی است. تو نماینده و صدای کمونیسم هستی که مقابله با جنبش اسلام سیاسی و دخالت اسلام و هر مذهبی در دولت و قوانین و زندگی اجتماعی مردم را یک وظیفه و امر محوری خود میداند. فعالیت و مبارزه پیگیر و بی امان تو در پیشبرد این امر شایسته بیشترین قدردانی ها است.

یکبار دیگر دریافت جایزه لائیسیتیه را به تو تبریک میگویم و برایت بیشترین موفقیتها را آرزو میکنم.

حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران ۳ نوامبر ۱۶

است در وسعت جوامع و مرزها و محدودیت‌های حقیقی و یا مفروض بین تئوکرات ها از یکطرف و سکولارها و جهان وطنی ها از طرف دیگر- و این خیلی از مسلمانها و مهاجرین را هم شامل میشود.

سکولاریسم نه فرانسوی، نه غربی و نه شرقی است؛ بلکه جهانی است، باید از این حقیقت بصراحت و بدون لکننت زبان در مقابل توتالیتریسم دفاع کرد.

امروز بیش از هر زمان دیگر، ما به لائیسیتیه نیاز داریم و همین حالا به آن نیاز داریم. زندگی امروز ما وابسته به آن است.

با تشکر از شما

مریم عزیز
دریافت جایزه لائیسیتیه فرانسه را از طرف خودم و حزب صمیمانه به تو تبریک میگویم.

این جایزه، همانند جایزه سکولاریست سال که در سال ۲۰۰۵ از طرف انجمن سکولار انگلستان دریافت کردی، نشاندهنده نقش فعال و پیگیر و برجسته تو در مبارزه بی امان با اسلامیسیم و مقابله با دولتها و نیروهای سیاسی ای است که سازش و مماشات با جنبش اسلام سیاسی را در پیش گرفته اند.

حضور تو در صف اول مبارزه علیه اسلام سیاسی و در دفاع از سکولاریسم و ارزشهای جهانشمول انسانی در عین حال نشانه بارز پیشتازی کمونیستها در مبارزه همه

بخاطر پناه جستن در جوامع سکولار را می‌شان را با پاهایشان میدهند و جانشان را از دست میدهند، شامل آن زنان و کودکان کاله میشود که حقشان نه فحاشی و رفتارهای تبعیض آمیز بلکه حمایت و حق اولیه و انسانی پناهندگی است، و این معتقدین به مذاهب را هم شامل میشود. حق داشتن دین و مذهب تنها زمانی معنی پیدا میکند که همراه باشد با حق خلاصی از مذهب. آن نبرد تاریخی که ما امروز با آن روبرو هستیم، برخلاف آنچه که راست افراطی پست ادعا میکند تا یک هویت عمدتا سفید و مسیحی را تقویت کند، دعوای بین تمدن ها نیست. این بیش از هر چیز، نبردی

بنا بر آنست که ما امروز با آن روبرو هستیم، برخلاف آنچه که راست افراطی پست ادعا میکند تا یک هویت عمدتا سفید و مسیحی را تقویت کند، دعوای بین تمدن ها نیست. این بیش از هر چیز، نبردی

بدلیل سازماندهی کارگران به ۱۱ سال زندان محکوم میشود. یا دو تابعیتی هایی مانند نازنین زاغری راتچیف و یا سیامک و باقر نمازی در ایران بعنوان گروگان مورد استفاده قرار میگیرند. رثوف رادوانی، ویلاگ نویس در عربستان سعودی بخاطر نوشتن مقالاتی در مورد مذهب و سیاست به ۱۰ سال زندان و ۱۰۰۰ ضربه شلاق محکوم شده است.

”سکولاریسم راه حل است“ یک نوشته گرافیتی از رثوف رضوان است که در یکی از سلول های زندانی در عربستان سعودی بازداشت شده است- با وجود این میشنویم که گفته میشود سکولاریسم یک خواست استعمار جدید است- و این از طرف همان کسانی گفته میشود که جهانبینی شان با اقلیت حاکم از جمله استعمارگران سابق، و نه هرگز با منتقدین، همخوانی پیدا میکند.

این ”ضد فاشیست ها“، که فقط بعضی وقتها ضد بعضی از فاشیست ها هستند، اینها ”ضد راسیست“ هستند تا زمانیکه ما پامان را از لانه هایی که برای ما تدارک دیده شده تا در آنها زندگی کنیم و همانجا هم بمیریم، بیرون نگذاریم. اگر انتقاد کنیم آنها در صف مقدم دفاع از نسبت فرهنگی راسیستی ظاهر میشوند و از حقوق متفاوت برای آدمهای متفاوت دفاع میکنند. این آدمهای باصطلاح مترقی ماها را محکوم به زیستن در حصار اسلام میکنند، در حالیکه آسمان برای خود آنها هیچ محدودیتی ندارد.

آنها نمیتوانند بفهمند که هیچکس به اندازه آنهایکه زیر چکمه حق مذهب زندگی میکنند و جان میکنند و میمیرند به لائیسیتیه و سکولاریسم احتیاج ندارد- و این شامل آن نامحدود آدمهایی میشود که در همین لحظه ای که ما داریم اینجا حرف میزنیم

در دفاع از لائیسیتیه: زندگی ما به آن وابسته است

متن سخنرانی مریم نمازی در مراسم دریافت جایزه سکولاریسم بین المللی در پاریس

بلافاصله مارك ”اسلام هراسی“ و کفرآمیز به آنها میزند.

ما ”مرتدان خشونت کار“، ”سکولارهای بنیادگرا“، ”خبرچین های بومی“، ”بادکنکی“ نامیده میشویم. متهم میشویم که ”فضای امن“ اسلامی ها در دانشگاه ها را بهم میزنیم و حتی به نفرت دامن میزنیم.

اینها را باور نکنید! این يك روایت اسلامی است.

در دنیای امروز، این ما هستیم که سلاخی میشویم نه برعکس.

در دنیای آنها مردم میمیرند ولی ما متهم به ”توهین“ میشویم. گویی ارتداد و کشیدن کارتون بدتر از قتل است.

اسلامی ها در برابر تنبیه و شلاق و ترور و ربودن آدم ها و قصابی کردن مردم، جنایتکار محسوب نمیشوند ولی قربانیان بدلیل ”تحريك“ مورد سرزنش قرار میگیرند، مثل چارلی ابلو یا آویجیب روی و ...

سکولاریسم يك بحث تئوریک برای آکادمیست های برج عاج نشین و سوسیالیست های شامپاینی نیست. يك موضوع مرگ و زندگی برای بسیاری از ما است:

کسانی مانند آسیا بی بی در پاکستان به اتهام توهین به مقدسات با اعدام مواجه میشوند.

اکس مسلم های جوان (غیر معتقدان به اسلام) در بریتانیا با محرومیتهای مادام العمر مواجه میشوند.

کسانی مانند افسانه لاجاک، نقض حقوقشان در دادگاه تبعیض آمیز شریعه در خاور میانه توسط دادگاه فرانسه بدلیل توافقات دو جانبه مورد تایید قرار میگیرد. نرگس محمدي فعال حقوق بشر بدلیل مخالفت با مجازات اعدام به ۱۶ سال زندان محکوم میشود. جعفر عظیم زاده

من واقعا افتخار میکنم که جایزه سکولاریسم بین المللی از طرف ”کمیته جمهوری لائیسیتیه“ روز دوم نوامبر در پاریس به من اهدا شده است. ملك بوتی هم جایزه ملی و اتین امیل باولی جایزه علمی سال ۲۰۱۶ را دریافت کردند.

من همینجا قبول این جایزه را با این سخنرانی بزبان انگلیسی اعلام میکنم.

بخاطر این افتخار بزرگ از شما تشکر میکنم. بسیار خوشحالم که از حمایت شما حاضرین از جمله همسر و پسر و همینطور والدین مسلمانم برخوردارم.

ما در دوره ای زندگی میکنیم که توتالیتریسم عدالت الهی خوانده میشود، تئوکرات ها مشروعیت می یابند، منتقدین تحطنه میشوند و قربانیان مورد سرزنش قرار میگیرند.

این دوره ای است که ”همبستگی“ دیگر نه اقدامی در دفاع از انقلابیون بلکه در دفاع از فاشیست ها است. تا جاییکه پروژه های اسلامیست از جمله دادگاه های شریعه، برقع، جداسازی جنسیتی، قوانین مربوط به ارتداد و توهین به مقدسات- چه بشکل قانونی و چه بشکل عملی- مورد حمایت قرار میگیرند ولی آنهایی که تمکین نمیکند و سکوت نمیکند، حذف و ”ناپدید“ میشوند.

این دوره ای است که ”ترقیخواهی“ اغلب به معنای سیاست حفاظت کردن از هویتهای عقب مانده معنی میشود. که کل مردم جوامع را در يك کیسه میریزد. و خداپرستان بعنوان تنها داوران و دروازه بانان ارزش های جوامع فرض گرفته میشوند.

فارغ از کشمکشهای طبقاتی و آرمان های سیاسی، این يك سیاست خیانت است که هر انتقادی را با چشم اسلامی نگاه میکنند و

جنبش اعتراضی کارگری علیه اصلاحیه قانون کار

شهلا دانشفر



لایحه "اصلاح قانون کار" لایحه ضدکارگری تر کردن قانون کار فعلی، لایحه تشدید ریاضت اقتصادی و بردگی کارگران است. بندهای این لایحه چک سفیدبست در دست کارفرمایان که بیشترین کار را در قبال کمترین دستمزد از گرده کارگران بکشند و با همراهی کمیته های انضباطی شان هر صدای اعتراضی را با چماق اخراج پاسخ دهند. اما کارگران در برابر این بردگی ایستاده اند و این لایحه از هنگام برگ ملا شدنش تا کنون با مخالفت گسترده ای از سوی تشکلهای کارگران و فعالین کارگری روبرو شده است. نگاهی به این اعتراض بیندازیم:

از زمان مطرح شدن دوباره بحث اصلاحیه قانون کار، کارگران در اشکال مختلفی چون برپایی تجمع اعتراضی در مقابل مجلس، انتشار بیانیه های اعتراضی و فراخوان به تجمع و تهیه طومارهای اعتراضی به مخالف با این لایحه برخاستند و این اعتراضات هر روز سازمانیافته تر به جلو میروند. نهادهای دست ساز حکومتی نیز که خود با این تغییرات موقعیتشان به خطر می افتد، به مخالفت با این لایحه صلاحیه برخاسته اند. اما میخواهند از فرصت استفاده کنند و کارگران را به حمایت از قانون کار موجود بکشانند. اما کارگران نه فقط با اصلاحیه کذایی مخالفند، بلکه بارها و بارها مخالفت خود را با قانون کار موجود نیز اعلام کرده اند.

در رابطه با این موضوع حتی کارگران از کارخانجات مختلف چون چادرملو، زاگرس قروه، بیانیه داده و اعتراض خود را اعلام کرده اند. بدین ترتیب هم اکنون جنبشی در اعتراض به لایحه "اصلاح قانون کار" به جریان افتاده است. در رابطه با این موضوع در این هفته کارگران سندیکای واحد علیه این لایحه بیانیه و با اعلام طوماری اعتراضی از همگان دعوت کرده اند که به این حرکت اعتراضی بپیوندند. در

بخشی از فراخوان اعتراضی اعلام شده از سوی شرکت واحد چنین آمده است: "سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از تمام مزد بگیران، اعم از کارگران زحمتکش بخش های صنعتی، خدماتی، کشاورزی، معلمان، دانشجویان پرستاران و مردم، که تغییرات ضد کارگری قانون کار آینده فرزندان شان را هدف قرار داده درخواست دارد با امضای طومار اعتراض به لایحه باصطلاح «اصلاح قانونکار» مخالفت خود را با این تغییرات ضد کارگری در قانون کار اعلام دارند." در ادامه این فراخوان چنین آمده است: "ما کارگران بخشهای مختلف صنعتی، خدمات عمومی، کشاورزی و آموزشی ایران اعلام می داریم که حمله به حقوق ابتدایی کارگران تحت عنوان "اصلاح قانون کار" تنها جهت تامین منافع کارفرمایان و سرمایه داران داخلی و بین المللی تدوین شده است و خواهان لغو فوری این لایحه ضد کارگری که زندگی و مرگ ما را هدف قرار داده است، هستیم. ما اعلام می داریم در صورت اصرار دولت برای تصویب لایحه ی ضد کارگری اعتراض، تجمع و اعتصاب را حق مسلم خود می دانیم."

اعتراض کارگران سندیکای واحد، اعتراض همه کارگران است، وسیعاً به این حرکت بپیوندیم. قبلاً نیز اتحادیه آزاد کارگران ایران در همین رابطه بیانیه داده و در آن اعتراض به لایحه "اصلاحیه دولت" در اشکال تجمع، راهپیمایی، طومار نویسی و تحصن در برابر ادارات کار سراسر کشور را حق مسلم کارگران دانسته و بر خواستهای باز پس گیری فوری لایحه اصلاحیه از مجلس، بر پییده شدن قراردادهای موقت، حق برپایی تشکلهای مستقل کارگری، افزایش دستمزدها و داشتن یک زندگی انسانی تاکید کرده است. همچنین به ابتکار این تشکل در ۲۷ مهرماه در مقابل مجلس جمعی اعتراضی

کیستند، و وزارت ارشادشان را تقصیر کار میکند.

این اتفاق همانطور که قبلاً نیز اشاره کرده ام بیش از پیش نشانگر هراس و استیصال حکومت اسلامی در قبال فضای پر التهاب جنبش اعتراضی کارگری است. این اتفاق نشانه هراس از بالاگرفتن اعتراضات بر سر این لایحه ضد کارگری در میان کارگران و خصوصاً جلو کشیده شدن خواستهای سراسری کارگری چون حق تشکل، حق اعتصاب و غیره است.

خلاصه کلام اینکه به میان آمدن بحث قانون کار، آنهم در اوضاعی که در چنین مخمصه و فشاری قرار دارند، فرصتی است برای پیش کشیدن خواستهای سراسری چون حق تشکل، حق اعتصاب، حق انعقاد قراردادهای دسته جمعی، افزایش فوری دستمزدها و برخورداری از بیمه های اجتماعی چون درمان رایگان، تحصیل رایگان و خواستهایی از این دست است. اعتراضات علیه

برپا شد. به گزارش منتشر شده در سایت اتحاد، صبح روز ۱۱ آبان نیز پروین محمدی نایب رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران و نماینده سابق کارگران کارخانه صنایع فلزی به نمایندگی از سوی اتحادیه، پیگیری جعل بندهای "ح" و "ز" در ماده ۲۱ قانون کار در چاپ سال ۱۳۹۵ و در لایحه اصلاحیه دولت شد. در این پیگیری وی پس از ملاقات کوتاهی با هفده تن معاون وزیر کار، نهایتاً به دفتر مدیریت روابط کار هدایت شد و موضوع جعل بندهای "ح" و "ز" ماده ۲۱ قانون کار در چاپ سال ۹۵ و در لایحه اصلاحیه دولت بر روی قانون کار را در این دفتر مطرح کرد. در ادامه این مذاکره، مسئول مربوطه ی دفتر مدیریت روابط کار اعلام کرد وجود این دو بند در ماده ۲۱ قانون کار صحت ندارد، این تخطی توسط بخش خصوصی انجام گرفته است و مسئله می باید در وزارت ارشاد که مجوز چاپ آنرا داده است پیگیری شود. برای ما در وزارت کار و شعبات ادارات کار، اسنادی از قانون کار که توسط وزارت کار تهیه شده معیار است و در این اسناد این دو بند در ماده ۲۱ قانون کار وجود ندارند.

یاد آورشم که موضوع این دو تبصره بازگذاشتن کامل دست صاحبان کار در بیکار سازی کارگران با هر بهانه ای چون تغییر ساختار صنایع در اثر الزامات قانون و مقررات یا شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و تغییرات گسترده در فن آوری و غیره و اخراج آنان بدون هیچگونه دست اندازی از کار است.

بدین ترتیب جعلی در بندهای قانون کار صورت گرفته است و حالا که دستشان رو شده و چنین رسوایی ای به پا شده است، دفتر مدیریت کار جمهوری اسلامی خود را به بیخبری زده و با رسوایی بیشتر "بخش خصوصی" که معلوم نیست

لایحه "اصلاح قانون کار" تا هم اکنون توانسته است سد محکمی در مقابل تصویب این لایحه ایجاد کند. اما این لایحه همچنان در دستور مجلس است. تا پس گرفته شدن کامل آن باید به هر شکلی که میتوانیم، از طریق برپایی تجمعات اعتراضی تا طومار نویسی و افشاگریهای گسترده، در مقابل وارد کردن این تعرض گسترده و وسیع به زندگی و معیشتمان بایستیم. در عین حال نباید از جعلی که در ماده ۲۱ قانون کار صورت گرفته است غافل شد. چرا که در صورت عدم هوشیاری ممکن است این دو بند که جایگاه مهمی در لایحه ضد کارگری "اصلاح قانون کار" دارد، از در دیگری وارد قانون کار شود.

لایحه اصلاح قانون کار، لایحه به بردگی کشاندن بیشتر کارگران توسط سرمایه داری وحشی حاکم است. کارگران علیه این لایحه و کلیت قانون کار اسلامی و کل این بردگی و توحشد.

مراکش در اعتراض عمومی

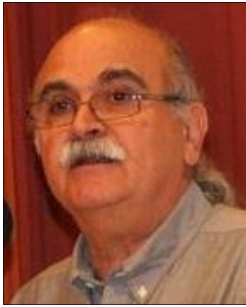


و او را در حالی که فریاد میکشید به نحو فجیعی چرخ کرد. يك شاهد عینی گفته است که شنیده است که پلیس دستور راه انداختن دستگاه را داده است.

تظاهر کنندگان علیه پلیس و کل حکومت شعار میدهند. مردم از جنایات متعدد حکومت به تنگ آمده اند و خشم عظیمی سرتاپای جامعه را فرا گرفته است.

مقامات مراکش قول رسیدگی به این حادثه را داده اند و ملک محمد چهارم پادشاه مراکش به

در مراکش موجی از تظاهرات راهپیمایی علیه جنایات پلیس و حکومت به جریان افتاده است. گفته میشود که ۴۰ شهر مراکش از جمله رباط پایتخت این کشور در تظاهرات هستند و این موج اعتراضی به اعتراضات بهار عربی مقایسه میشود. اعتراض به مرگ وحشتناک يك ماهیگیر در جمعه شب ۲۸ اکتبر شروع شد. این ماهیگیر بنام محسن فکری هنگامی که میخواست ماهیهای صید شده اش را که پلیس مصادره کرده بود از ماشین زباله نجات دهد، دستگاه کمپرسور به کار افتاد



تفرقه بین "خودبها" و "بیگانگان" بنا شده است در اساس و ماهیت خود نمیتواند بشریت و انسانیت را نمایندگی کند.

عرب ستیزی - که شعارهایش در همین گردهمایی "بزرگداشت پدر حقوق بشر" داده شد- يك جزء لاینفك ناسیونالیسم ایرانی است. از ادعای مالکیت بر تنب بزرگ و تنب کوچک گرفته تا کشمکش بر سر "خلیج همیشه فارس" و شط العرب و اروند رود و غیره همه بر همین برتری فارسها بر اعراب و عربستیزی دیرینه ناسیونالیسم ایرانی بنا شده است. یکی از مهمات اصلی جنگ و کشمکش با دولت عراق نیز، هم در زمان شاه و هم خمینی، عرب ستیزی بود. این برتری طلبی ایرانیت بر دیگران به

حساب مردم از ناسیونالیستها جداست

مصاحبه با حمید تقوایی در رابطه با تجمع مردم در پاسارگاد

شاهنشاهی و ایرانیزه شده نیز همواره يك ركن سلطنت و نگهبان "سایه خدا" بر روی زمین بوده است. ایرانیت جزئی از اسلامیت حاکم و اسلامیت جزئی از ایرانیت در اپوزیسیون است. به یمن انقلاب مردم شاه از مثلث "خدا شاه میهن" حذف شده اما "خدا و میهن" اتحادشان پا برجاست.

کل این ملقمه به "حقوق بشر"، حتی با رقیق ترین و سطحی ترین تعبیر از این حقوق، بی ربط است. یکی کورش را پدر حقوق بشر

جنگهای صلیبی در قرون وسطی، دو جنگ جهانی در قرن گذشته، هجوم به عراق و افغانستان در قرن حاضر و غیره- با پرچم مذهب و ملیت و قومیت در گرفته و کشتار و قربانی کردن انسانها در راه منافع طبقه حاکمه را با فداکاری ملی و مذهبی در راه خدا و مام میهن توجیه کرده اند. همه این واقعیات نشاندهنده آنست که هویت سازهایی ملی و مذهبی همیشه، در طی تاریخ و در شرایط مشخص امروز، اساسا امری سیاسی-

انترناسیونال: روز هفتم آبان که از سوی ناسیونالیستهای ایرانی به عنوان روز "کورش بزرگ" نامگذاری شده است (می گویند روز ورود کورش به بابل است) هزاران نفر در پاسارگاد و در جوار مقبره کورش گرد آمدند. در این اجتماع و مراسم از شعارهایی ضد حکومتی تا شعارهای نژاد پرستانه ضد عرب فریاد زده شد و از کورش بعنوان "پدر مردم ایران" نام برده شد. برخی ها این مراسم را تلاش مردم برای یافتن يك هویت دیگر در ضدیت با هویت اسلامی حاکم ارزیابی کردند. "هویت باستانی ایرانی" در قبال "هویت اسلامی". می خواهیم قبل از هر چیز نظر شما را در باره این ارزیابی ها بدانیم.

حمید تقوایی: هویت سازهایی ملی و مذهبی در ایران و در هر جامعه ای يك امر سیاسی و در خدمت اهداف طبقه حاکمه است. در تمام طول تاریخ مدون و در همه کشورها اقلیت حاکم، در عصر ما طبقه سرمایه دار، به مذهب و ملیت، و همچنین نژاد و قومیت که همسنگ و هم ریشه با ناسیونالیسم است، متوسل شده است تا منافع طبقاتی خود را منافع مردم "هموطن" و "همکیش" خود جا بزند. مذهب و ناسیونالیسم مهمترین و کارآ ترین ابزار يك درصدیهای حاکم برای حفظ سلطه خود بر توده "مردم خودی" و يك سلاح موثر در رقابت و جنگ و کشمکش با "بیگانگان" بوده است. همه دیکتاتوریهها و امپراتوریهها در تمام طول تاریخ، از امپراتوری رم و هخامنشی تا امپراتوری عثمانی و تا امپراتوریهای "مدرن" اسپانیا و انگلیس و آمریکا و غیره در عصر حاضر همگی بر مبنای مذهب و یا ملیت و قومیت و یا ملقمه ای از این نوع هویت تراشیها شکل گرفته اند و سلطه خود را اعمال کرده اند. همه جنگها نیز- جنگهای دوران باستان، کشورگشاییهای اعراب و مغولها،

از نقطه نظر ناسیونالیسم ایرانی همه مردم منسوب به اقوام غیر فارس، کرد و ترک و بلوچ و ترکمن و غیره، نیز شهروندان درجه دوم محسوب میشوند. شهروندانی که تا وقتی به موقعیت فرودست خود تمکین کنند "مرزبانان غیور" اند و هر زمان برای رفع ستم و تبعیض ملی به حرکت درآیند تجزیه طلبانی هستند که "تمامیت ارضی" را به خطر انداخته اند و باید سرکوب بشوند.

مینامد و دیگری آیت الله منتظری را اما هیچیک را با هیچ ترسند و تردستی ای نمیتوان به حقوق بشر چسباند. ناسیونالیسم بنا بر تعریف یعنی برتری ملت خودی بر ملل دیگر. همانطور که هر دین و مذهبی خود را بر حق و منسوبین به مذاهب دیگر یا بی مذهبان را گمراه و نادان تلقی میکند. اتکا بر کشور و ملت و پرچم و آب و خاک و نیاکان و نژاد و تاریخ "خود"، همچنانکه اتکا بر دین و مذهب خود، تماما در تمایز از دیگران - و لذا مبتنی بر تبعیض ملی و قومی و مذهبی- معنی و موضوعیت پیدا میکند و این تمایز همانطور که بالاتر اشاره کردم هم ابزار جا زدن منافع اقلیت حاکم بجای منافع هموطنان و همکیشان است و هم اسلحه جنگ علیه "بیگانگان" یعنی علیه دولتتهای رقیب. در جنگ و در صلح ناسیونالیسم کاربردی بجز اعمال سلطه يك درصدیهای حاکم بر توده مردم ندارد. ایدئولوژی و تفکر و فرهنگی که این چنین بر تمایز و تبعیض و

طبقاتی بوده است و نه امری عینی و برخاسته از خواست و نیازهای اجتماعی مردم و یا هویت ملی و مذهبی ای که به مردم نسبت میدهند.

تاریخ ایران معاصر نیز از این قاعده مستثنی نیست. از انقلاب مشروطه تا امروز اسلام و ناسیونالیسم ایرانی دو جریان اصلی بوده اند که در کنار هم و یا در رقابت با یکدیگر - و در هر حال با حفظ احترام متقابل - به دولتها و تحولات سیاسی شکل داده اند و حاصل کار آنها چیزی بجز دیکتاتوری بعد از دیکتاتوری نبوده است. در شرایط حاضر اسلام در قدرت و ناسیونالیسم در اپوزیسیون است اما در عین حال، مانند همه تحولات گذشته، در برابر یکدیگر سر خم میکنند و کلاه از سر بر میدارند. از میان حکومتی ها ایده روز کوروش را اولین بار اسفندیار رحیم مشائی رئیس دفتر احمدی نژاد مطرح کرد و بدنبال آن خزعلی از اصلاح طلبان حکومتی کورش را به مقام پیامبری رساند. اسلام

ناسیونالیسم در مقابل بیگانگان، و همچنین وجه تمایز آن با دیگر اقوام غیر فارس در خود جغرافیای سیاسی ایران است. قوم پرستی و نژادپرستی را نمیتوان از ناسیونالیسم تفکیک کرد. اینها همسنگ و هم ریشه اند. افتخار به کورش صرفا يك امر ملی نیست بلکه مهمتر از آن امری قومی و نژادی است. کورش نماد نژاد خالص آریائی، قبل از حمله اعراب و مغول و دیگر "بیگانگان" به ایران است و نه مظهر ایران امروز که آمیخته و مجموعه ای است از مغول و عرب و ترک و بلوچ و ترکمن و غیره. آریائی گری همان نقش را برای ایرانیت ایفا میکند که سید بودن برای تشیع.

در آخر باید به این نکته نیز تاکید کنم که ادعاهای حقوق بشری اسلاميون و ناسیونالیستها و ظهور پدر خوانده هائی نظیر آیت الله منتظری و کورش کبیر در عین حال نشانه ناکافی و ناقص بودن حقوق بشر و جنبشی است که میخواهد امر آزادی و برابری انسانها را در چارچوب تنگ حقوق بشر محدود کند. بعنوان نمونه در بیانیه حقوق بشر نه سکولاریسم و جدائی مذهب از دولت جایی دارد و نه حقوق جهانشمول انسانی مستقل از ملیت

صفحه ۴

مراکش در ...

از صفحه ۳

انتخابات گذشته ائتلافی با شرکت جریانات چپ و سائتر به حکومت رسید و قدرت شاه محدود و تشریفاتی شده است. اینها فضای مراکش را نسبت به سایر کشورهای عربی متمایز میکنند. اما مردم معتقدند که رفتار بخشهایی از پلیس و مقامات با گذشته فرقی نکرده است. *

خانواده محسن فکری تسلیت گفته است. اما این تلاشها کمکی به فروکش کردن اعتراضات نکرده است.

مردم خواهان محاکمه عاملین مرگ محسن فکری ماهیگیری هستند که در لای چرخهای کمپرسور دستگاه زیاله له شد. از چند سال گذشته اصلاحاتی در مراکش به اجرا گذاشته شده و در

حساب مردم از ...

از صفحه ۴

و نه بویژه نفی تبعیض طبقاتی و نابرابریهای اقتصادی ای که پایه و اساس بی حقوقی توده مردم در همه جوامع است. در چند دهه اخیر حتی شاهد روند معکوس و سیر قهقرائی در تعبیر حقوق بشری از رهایی و آزادی انسانها هستیم. نسبیت فرهنگی و نفی حقوق جهانشمول انسانی یک تفکر رایج و مسلط در فرهنگ لیبرالی و حقوق بشری است و بر این زمینه است که اسلامیس و ناسیونالیسم ایرانی به خود جرات میدهند از حقوق بشر دم بزنند. این نوع ادعاها را باید از محصولات ارتجاعی پارادایم نسبیت فرهنگی به شمار آورد اما همانطور که گفتم حتی با معیارها و ارزشهای ناقص و ناکافی حقوق بشری نیز ناسیونالیسم ربطی به بشریت ندارد. ناسیونالیسمها با منسوب کردن حقوق بشر به کورش، کورش را بزرگ نمیکند، بلکه حقوق بشر را کوچک و پوچ و بی معنی میکنند.

انترناسیونال: بعد از تجمع پاسارگاد عده ای چنان ذوق زده شدند که از عروج "جنبش ملی و لیبرالی ایرانی" در برابر حاکمیت دینی بعنوان تنها آلترناتیو در مقابل جمهوری اسلامی سخن گفتند. حتی برخی از تحلیلگران معتقدند این نشانه دست بالا داشتن جنبش ناسیونالیستی در میان اپوزیسیون است. آیا حقانیتی در این اظهار نظرها هست؟

حمید تقوائی: به نظر من حساب مردم از حساب نیروهای ناسیونالیست جدست. از نقطه نظر توده مردم معنی و زمینه و انگیزه سیاسی تجمعاتی از نوع هفتم آبان اعتراض و ابراز مخالفت با جمهوری اسلامی است و نه دفاع از کوروش و آب و خاک و نیاکان پرستی. باید توجه داشت که ناسیونالیسم بعنوان یک ایدئولوژی رایج و پذیرفته شده که حتی بخشی از حاکمیت در آن میدمد چتر امنیتی و قالب مجازی برای بیان

در حفظ و تحکیم سلطه طبقه حاکمه است.

در رابطه با ادعای دست بالا داشتن ناسیونالیستها در اپوزیسیون نیز کافی است نگاهی به اعتراضات و مبارزات اجتماعی جاری بیاندازیم تا حقیقت روشن شود. کسانی که با مشاهده تجمع پاسارگاد به چنین نتیجه ای میرسند آیا حتی یک نمونه از شعارهای ناسیونالیستی - در مدح کورش، در دفاع از "خلیج همیشه فارس" و یا ادعا بر جزایر سه گانه و یا مخالفت با تجزیه طلبی "مرزبانان غیور" و یا خواست احیای سلطنت و یا بزرگداشت زن در روز کشف حجاب رضاخانی و نظایر آن - در اعتراضاتی که هر روزه در جامعه جریان دارد سراغ دارند؟ اینها اهداف و آرزوها و خواستهائی است که از دلانهای

حزب و نیروهای ناسیونالیستی فراتر نمرود. همه شاهدند که در سطح جامعه، در مبارزات گسترده کارگران و معلمان که در واقع پرچم مبارزه علیه فقر و نابرابری اقتصادی را برافراشته اند تا مبارزه علیه اعدام و بیحقوقی زنان و آپارتاید جنسی و تا جنبش برای حذف اتهامات امنیتی از پرونده فعالین و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و تا جنبش دفاع از حقوق کودک و مقاومت و اعتراضات وسیع جوانان برای خلاصی فرهنگی و از دادخواهی از کشتار دهه شصت تا جنبش وسیع ضد مذهبی که هر روز در جامعه جریان دارد ناسیونالیسم و ملی گرایی هیچ موقعیت و جایگاهی ندارد. خصلت نمای این مبارزات و اعتراضات اجتماعی خواستهها و آرمانهایی است که با چپ و انسانگرایی سوسیالیستی تداومی میشود و نه با ناسیونالیسم و ملی گرایی نوع احمدی نژاد و رضا پهلوی و امثالهم. این مبارزات، که اساسا ضد تبعیض است و دفاع از انسانیت و معیشت و منزلت انسانی را امر خود قرار داده است، از محدوده تعبیر لیبرالی از مذهب و حقوق بشر و نسبیت فرهنگی و غیره بسیار فراتر میروند و تماما در نقطه مقابل جنبش ناسیونالیستی، در هر دو شاخه ملی-مذهبی و سلطنت طلبانه، قرار میگیرد.

نفوذ و گسترش آرمانهای چپ و

سخنرانی و گفت و شنود:

کشتارهای دهه شصت

یتوبوری (سوند) - ۱۳ نوامبر ۲۰۱۶



سخنرانان:

- علی دمانپوری از سازمان راه کارگر
- حسن شمس از حزب کمونیست ایران
- سیاوش دانشور از حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیتست
- مینا احدی از حزب کمونیست کارگری ایران

محل جلسه: Folkets Hus Järntorget

با خط های ۶، ۹، ۱۱ و ۱۱

شروع جلسه: ساعت ۱:۳۰ تا ۵ بعد از ظهر

ورود به سالن جلسه از ساعت ۱ بعد از ظهر

تلفن تماس: +46 (0)73178819

حمید تقوائی: این نوع موضعگیریها و اظهارات تنها نشانه ضعف و استیصال رژیم است که از هر نوع تجمع اعتراضی مردم به لرزه میافتد و حالت و احساس سرنگونی به او دست میدهد. ما همیشه تاکید کرده ایم که تجمع و اعتراض با هر شعار و خواستی حق بی چون و چرای مردم و همه احزاب و نیروهای سیاسی است. در عمل هم مردم هیچوقت منتظر اجازه حکومت برای دست زدن به تظاهرات و یا برپائی تجمعات اعتراضی ننشسته اند.

تا آنجا که به احزاب و نیروهای سیاسی مربوط میشود ما حق تشکل و تبلیغ و فعالیت سیاسی و صنفی و مدنی را برای همه نیروها، مستقل از هر نقدی که به آنها داشته باشیم، برسمیت می شناسیم. دفاع از این حق در واقع یک عرصه مهم مقابله ما با جمهوری اسلامی است. نقد ما بر نیروها و احزاب راست نه تنها نافی برسمیت شناسی آزادی عمل آنان نیست بلکه بر عکس آنها در یک فضای سیاسی و فکری آزاد و بری از بگیر و ببندهای حکومتی میتوان به بهترین وجه سیاستها و مواضع نیروهای راست را نقد و افشا نمود. به نظر من مقابله فعال با نفی آزادیهای سیاسی و مدنی که یک جزء همیشگی سیاستهای

انسانی در جامعه به حدی است که حتی تاثیر آن در موضعگیریهای نیروهای راست - مثل مخالفت سلطنت طلبان با اعدام و یا سکولار شدن برخی از ملی اسلامی ها - قابل مشاهده است. حتی توسل اینان به حقوق بشر بازتاب فشار چپ اجتماعی است و نه نتیجه جنبشهایی که نمایندگی میکنند. همانطور که در بالا اشاره کردم جنبشهای راستی که نقطه عزیمتشان هموطنان و همکیشان است نمیتوانند مبشر برابری انسانها باشند.

انترناسیونال: جمهوری اسلامی در واکنش به گردهمایی هفتم آبان اعلام کرد که شماری را به عنوان مسبب راه اندازی این حرکت دستگیر کرده است. همچنین آیت الله هایی در حکومت مثل همدانی به حکومت تشر زده اند که چرا اجازه برگزاری چنین مراسمی را داده اند. همدانی درباره شرکت کنندگان مراسم "روز کورش" گفته است: "این افراد ضد انقلاب هستند، تعجب می کنم چه طور می توانند در مزار کورش جمع شوند، همان شعارهایی که برای رهبر معظم انقلاب می دهیم، برای کورش بدهند و باز ما زنده، نشسته و تماشاگر هستیم". در مورد این واکنش های جمهوری اسلامی چه نظری دارید؟

حساب مردم از ...

از صفحه ۴

ارتجاعی و سرکوبگرانه حکومت بوده است امر و وظیفه همه نیروهای اپوزیسیون است. این امر بخصوص برای نیروهای کمونیست و چپ انقلابی امری حیاتی است.

ایدئولوژیهای مذهبی و ناسیونالیستی جزئی از فرهنگ طبقه حاکمه هستند که حتی در اپوزیسیون از جانب دولت مجاز شمرده میشوند و حتی تبلیغ و تقویت میشوند. هدف اصلی و علت وجودی دیکتاتوری های سرمایه داری نظیر جمهوری اسلامی قبل از هر چیز سرکوب چپ و مقابله با آرمانها و سیاستهای انسانی کمونیستها است. با تیغ

مذهب و ناسیونالیسم و خدا و پرچم و تمامیت ارضی و دیگر مقدسات ملی میهنی همواره زبان ما کمونیستها را بریده اند. آزادیهای سیاسی را نفی و پایمال کرده اند قبل از هر چیز برای آنکه نقد کمونیستی حکومت سرمایه و تابوها و مقدسات ملی مذهبی اش امکان ابراز وجود پیدا نکنند. به همین دلیل دفاع از آزادیهای بی

قید و شرط برای همگان و برای همه احزاب و جنبشها و گرایشها، یک امر هویتی ما کمونیستها است. در این مورد مشخص تجمع هفتم آبان هم ما با قاطعیت در مقابل خط و نشان کشیدنها و هر نوع پیگرد و بازداشت شرکت کنندگان در این تجمع می ایستیم. نقد ما به ناسیونالیسم کمترین خللی در مبارزه ما برای تحقق آزادیهای سیاسی برای همه نیروها و احزاب ایجاد نمیکند. این جزئی از مبارزه پیگیر ما برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی است.

انترناسیونال: شما چند سال پیش در مصاحبه ای گفته بودید که: "ملقب کردن کورش به "بنیانگذار حقوق بشر" و "اولین مدافع حقوق بشر" و غیره صرفا یک موضعگیری تاریخی نیست، بلکه یک تلاش سیاسی است برای آنکه زیر لوای حقوق بشر بر کوره تعصبات ناسیونالیستی و شاه پرستی و ایران پرستی و حتی نژاد پرستی بدمند".

عصر ما است. استوانه کورش هر معنی و محتوایی داشته باشد استفاده سیاسی ناسیونالیستها از آن بجز برتری طلبی و فخر فروشی ملی و آریائی معنایی ندارد.

انترناسیونال: بعنوان آخرین سؤال به نظر شما برای مقابله با گرایشات ناسیونالیستی در جامعه چه باید کرد؟ چطور میتوان مردم را

هم میتوان ادعا کند که ایلغار مغول" ورود چنگیز خان به سرزمین دشمن برای در هم آمیختن نژادها و باورها بوده است" و "یاسای چنگیزی اولین اعلامیه جهانی حقوق بشر" است. من در همان مصاحبه ای که به آن اشاره کردید گفته ام قهرمانان ملی هر کشور مهاجمین به کشورهای دیگر و

یک لوحه بازمانده از دوره برده داری در عهد باستان و منسوب به یک شاه کشور گشا که امپراتوری خود را، مانند امپراتوری رم و سایر امپراتوریهای باستانی، بر کرده بردگان برپا کرده بوده است را "اولین اعلامیه جهانی حقوق بشر" مینامند! گویا کورش، یک امپراتور کشور گشا در عصر برده داری، به این دلیل به دیگر سرزمینها هجوم برده است که "اقوام و نژادها و باورها را در هم بیامیزد و دولت رفاه و اقتصاد برنامه ریزی شده دولتی پدید آورد!" براستی چیزی مسخره تر از حقوق بشر ناسیونالیزه شده نیست.

تحریکات و تعصبات ملی نژادی که بوسیله نیروهای ناسیونالیست دامن زده میشود مصون داشت؟

حمید تقوائی: به نظر من پاسخ، نقد سوسیالیستی وضعیت موجود و دست بردن به ریشه مصائب و محرومیتهاست که توده مردم با آن مواجه اند. همانطور که اشاره کردم مذهب و ناسیونالیسم دو نگرش و جنبش ارتجاعی برای حفظ و ابقای سلطه یک درصدیهای سرمایه دار بر جامعه هستند و ازینرو مقابله با این گرایشات مستلزم نقد همه جانبه و ریشه ای سرمایه داری است. چهارچوب حقوق بشر قالب تنگی برای نقد ناسیونالیسم است.

ناسیونالیسم عصر ما دکترین و نظریه ای است که در سلطه سرمایه بر بازار کار و کالای خودی و رقابت بین دولتهای سرمایه داری در کشورهای مختلف ریشه دارد. طبقه سرمایه دار به کشور و ملیت

قاتلین مردم کشورهای همسایه اند. کورش را هم در کنار کشورگشایانی نظیر اسکندر و چنگیزخان و تیمورلنگ و نادرشاه و غیره باید در لیست چنین قهرمانان ملی ای قرار داد. به این دلایل است که نباید موضوع استوانه منسوب به کورش را امری تاریخی-آکادمیک تلقی کرد. این یک تلاش سیاسی برای افزودن به افتخارات ملی و آریائی کردن حقوق بشر است.

نکته دیگر اینکه حقوق بشر پناهی ناسیونالیستها از سر انساندوستی آنان نیست. علت و حکمت مصادره ملی حقوق بشر برتری طلبی و فخر فروشی سنتی ناسیونالیسم ایرانی و نژاد پرستی آریائی به ملتتهای دیگر است. دستاوردهای امروز تمدن بشری علیرغم و در مقابل ناسیونالیسم و راسیسم حاصل شده است. مفاهیم و پدیده های مدرنی چون دولت رفاه و همزیستی اقوام و نژادها و حقوق بشر و اقتصاد برنامه ریزه شده و امثالهم همه از دستاوردهای بشریت معاصر و بخصوص حاصل مبارزه ای است که در صد سال اخیر نیروهای چپ و جنبش کارگری و جنبشهای مترقی در کشورهای صنعتی بدنال و با الهام از انقلاب اکتبر به پیش برده اند. مصادره و انتساب این مفاهیم و دستاوردها به یک امپراتوری عصر برده داری قبل از هر چیز نشانه ارتجاع و عقب ماندگی ناسیونالیسم در

دولت ملی نیاز دارد تا منافع خود را منافع ملت، بازار تحت سلطه خود را کشور خودی، و تأمین امنیت حکومت و استثمار سودآوری سرمایه را امنیت ملی جا بزند. قدوسیت مرز و تمامیت ارضی و نیاکان و تاریخ باستانی و غیره همه از این منافع زمینی طبقه سرمایه دار نشات میگیرند. پادزهر ناسیونالیسم، نقد سوسیالیستی سلطه سرمایه و تأکید بر جهانشمولی آرمان آزادی و برابری و رفاه، تأکید بر همسرشتی و اتحاد و همبستگی نود و نه درصدیهای جهان، و مقابله با حکومت یک درصدیهای سرمایه دار در همه کشورها است.

در شرایط مشخص ایران اسلام در حاکمیت و ناسیونالیسم در اپوزیسیون قرار گرفته است اما این از تخت افتادن و به اپوزیسیون رانده شدن ناسیونالیسم آزا در صف توده مردم قرار نمیدهد. بر عکس همانطور که اشاره کردم اسلامیسیم و ناسیونالیسم در ایران سابقه مشترکی در حفظ سلطه طبقه حاکمه داشته اند و این تشریک مساعی تا همین امروز ادامه دارد. همین واقعیت را باید در برابر چشم توده مردم قرار داد و بویژه نشان داد که چرا راه خلاصی از سلطه مذهب مبارزه برای تحقق آرمانها و ارزشهای جهانشمول انسانی است و نه رفتن بزیر پرچم ملیت و قدوسیت آب و خاک و بزرگداشت نیاکان و شاهانی که در دوره خود با همین نوع مقدسات و تعصبات ملی-مذهبی تسمه از گرده مردم هم عصر خود کشیده اند. بزیر کشیدن جمهوری اسلامی در گرو نقد عمیق و رادیکال مذهب و ناسیونالیسم هر دو است. *

هاتبرد ۸



نگارینما

فرکانس

۱۱۲۰۰

بولاریزاسیون

عمودی

ترانسپوندر

۵/۶

سیمبل ریت

۲۷۵۰۰

یادداشتهای هفته

حمید تقوایی

ایران: دومین کشور غمگین جهان!

سایت خبری ایسنا "بر اساس میانگین آمارهای نشاط اجتماعی که از سوی سازمان‌های معتبر بین‌المللی ارائه شده" گزارش کرده است که "ایران در جدول غمگین‌ها رتبه دوم را دارد". تنها کشور در هم کوبیده شده عراق از ایران غمگین‌تر است.

در این گزارش حسن موسوی استاد دانشگاه و رئیس انجمن مددکاری به عنوان زمینه‌های این غمگینی به آمار بالای اختلالات روانی که در برخی مناطق تهران به میزان باورنکردنی ۸۰ درصد میرسد، بی‌تفاوتی مردم نسبت به سرنوشت دیگران، کاهش سن روسپی‌گری به زیر ده سال، رشد پرشتاب اعتیاد به مواد مخدر (تعداد معتادان در ایران به اندازه کشور هندوستان است که ۱۵ برابر ایران جمعیت دارد)، کاهش ازدواج و افزایش طلاق، کودکانه شدن جرائم و زنانه شدن اعتیاد، گسترش بیماری‌های ایدز و دیگر آسیب‌های اجتماعی اشاره می‌کند. موسوی با اشاره به این "مسائل نگران‌کننده" نتیجه می‌گیرد "بحران‌های اصلی جامعه امروز، اجتماعی است". اما آنچه ناگفته میماند ریشه و اساس این بحران‌های اجتماعی است. همه میدانند اساس مساله سیاسی است. اساس مساله حکومتی است که مهمترین دستاوردش بیکاری و گرانی و فقر و بی‌حقوقی و برای توده مردم و دزدی و چپاول و حقوق‌های نجومی برای مقامات و آیت‌الله‌های میلیاردی است. اختلالات روانی و روسپی‌گری و اعتیاد نتیجه مستقیم فقر و بی‌حقوقی‌ای است که جمهوری اسلامی در جامعه برقرار کرده است.

عامل مستقیم غمگینی اجتماعی نیز حکومت است. آنچه ایران را به انتهای لیست نشاط اجتماعی رانده است حکومت عزا و ماتم جمهوری اسلامی است. اساس مساله حکومتی است که شادی و موزیک و رقص و آواز و جشن و پایکوبی را جرم اعلام کرده است، زن و مرد و دختر و پسر را با دیوارهای آپارتاید جنسی از هم جدا کرده است، و مبلغ و اشاعه دهنده فرهنگ گریه و ماتم و عزاداری و سینه زنی و مرگ و شهادت است.

همزمان با انتشار این گزارش این خبر هم در سایتهای منتشر شد که "پلیس استان تهران ۱۷ دختر و پسر را که

سنت اسلامی تجاوز: از خالد بن ولید تا سعید طوسی!

میدهد. این سنت اسلامی تجاوز جنسی تا امروز ادامه دارد اما البته علت ذکر این شاهکار سردار صدر اسلام بوسیله روزنامه جوان پرداختن به این سنت نیست. روزنامه سپاه ماجرای خالد بن ولید را ازینرو ذکر کرده است که بگوید در آن زمان "کسی کار خالد را به دستگاه پیامبر نسبت نداد و کسی نگفت، بفرمایید این هم سیف‌الله پیامبر، کسی نگفت، این هم مجاهد بزرگ اسلام...!" و بنا برین امروز هم کسی از مساله سعید طوسی فساد نظم جمهوری اسلامی را نتیجه نگیرد! یعنی هم تجاوز سنت اسلام است و هم سکوت و تمکین به آن! بحششان اینست که تجاوز اسلامی به کودکان و زنان امری عادی است، شلوغ‌اش نکنید! اولین بار نیست با این استدلال سروته آخوندی روبرو میشویم. چند سال قبل هم بعد از بر ملا شدن سوء استفاده جنسی یک دیپلمات جمهوری اسلامی در استخر کودکان در شهر برازیلیا مقامات و رسانه‌های حکومتی آنرا بحساب تفاوت "فرهنگ اسلامی" با فرهنگ مردم برزیل گذاشتند و با دسته گل از دیپلمات اخراج شده استقبال کردند! امروز هم اعلام میکنند این فرهنگ تجاوز از صدر اسلام آغاز شده است.

از نارضایتی و اعتراضات مردم صدر اسلام به این تجاوزات جنسی خبری در دست نیست اما احساس و خشم شوهر دست بسته بعد از تجاوز سیف‌الله پیامبر به همسرش را بخوبی میشود حدس زد. اگر در آن زمان هم مردم به مدیای اجتماعی دسترسی داشتند بی شک ماجرای سردار محبوب پیامبر نیز مانند قاری محبوب خامنه‌ای به موضوع ابراز خشم و تنفر و سوژه طنز و افشاگری و تعرض توده مردم تبدیل میشد. *

ماجرای تجاوز "قاری محبوب رهبری" به کودکان همچنان موضوع بحث و طنز و رسوائی بیش از پیش محکومت اسلامی در مدیای اجتماعی و افکار عمومی است. در این میان تلاش سایتهای حکومتی برای رفع و رجوع قضیه بوی گند و تعفن آنرا بیشتر بر ملا میکند. روزنامه جوان، رسانه نزدیک به سپاه پاسداران، در سرمقاله خود بزعم خودش در دفاع و توجیه تجاوز قاری قرآن به کودکان از صدر اسلام شاهد می آورد. این روزنامه مینویسد "خالد بن ولید از سرداران صدر اسلام که فداکاری‌های زیادی برای اسلام کرد تا جایی که پیامبر وی را سیف‌الله نامید، در زمان خلافت ابوبکر، مأمور اخذ خراج و مالیات از فردی به نام مالک که بیرون از مدینه زندگی می‌کرد و به حکومت مالیات نمی‌داد، شد. خالد به همراه یک نفر دیگر به محل سکونت مالک رسید و با رؤیت زیبایی همسر وی، دست و پای مالک را بست و در حضور او به همسرش تجاوز کرد".

معلوم میشود تجاوز جنسی به کودکان و به زنان از سنتهای دیرینه اسلامی است! وقتی سردار صدر اسلام و "سیف‌الله پیامبر" دست و پای شوهر را میبندد و جلوی چشمانش به همسر وی تجاوز میکند، از "قاری محبوب رهبری" چه انتظاری میتوان داشت؟ او هم در همان مکتب بزرگ شده است.

این بیماران جنسی دست پروردگان مذهبی هستند که تجاوز به زنان اسیر جنگی و تجاوز به دختران نه‌ساله را مجاز می‌شمرد و در رساله‌های علمای اعلامش آداب لذتجویی جنسی از کودکان شیرخوار و نزدیکی جنسی با حیوانات را مورد بحث قرار

در یک منزل مسکونی پارتنی مختلط برگزار کرده بودند دستگیر کرد. و خبر دیگر حاکی از آنست که با مسئولین یک مدرسه که اقدام به برگزاری جشن هالوین کرده بودند "برخورد جدی خواهد شد و به زودی جلوی فعالیت مدرسه گرفته خواهد شد".

هفته‌ای نیست که از این نوع اخبار در رسانه‌ها منتشر نشود. ضدیت با جشن و شادی مردم یک امر همیشگی پلیس و دستگاه قضائی جمهوری اسلامی بوده است. عراق را جنگ و هجوم نظامی و افسار گسیختگی نیروهای اسلامی نظیر داعش از شادی و نشاط محروم کرده است و ایران را بیش از سه دهه حاکمیت هم سنخ داعش. در ایران آمار بالای اعتیاد و ایدز و اختلالات روانی و جرائم کودکان و همه مسائلی که رسانه‌های حکومتی "آسیب‌های اجتماعی" می‌نامند محصول و دستاورد حکومت اسلامی ماتم و عزا است. برای حل این مسائل باید علت را از میان برد.

گزارش ایسنا از قول استاد دانشگاه مینویسد "ورود مقام معظم رهبری به موضوع آسیب‌های اجتماعی نشانه بحران را بودن این موضوع است... با وجود اینکه ایشان با جدیت، موضوع را پیگیری و خواستار ارائه گزارش‌های مستند و جامع از سوی مقامات اجرایی شده‌اند، اما متأسفانه تا کنون هیچ اقدام اجرایی موثری در زمینه مدیریت و ساماندهی آسیب‌های اجتماعی انجام نشده است".

در آینده هم هیچ اقدامی نخواهد شد. رهبری و مقامات اجرایی حکومت خود باعث و بانی شرایطی هستند که مدتهاست به یک مساله "بحرانزا" برای حکومتشان تبدیل شده است. هر درجه از نشاط و شادی و سرزندگی مردم، که امروز یکی از راه‌های بی‌چالش کشیدن جمهوری اسلامی از جانب بخش‌های مختلف جامعه بویژه جوانان است، وضعیت حکومت را بحرانی‌تر خواهد کرد. از دید مردم "اقدام موثر برای ساماندهی آسیب‌های اجتماعی" بزیر کشیدن حکومت ماتم و عزای اسلامی است.

کانال تلگرام کمیته سازمانده

<https://telegram.me/wpisazmaneh>

صفحه فیس بوکی حزب

<https://www.facebook.com/wpiran/>



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD

کمیته سازماندهی حزب کمونیست ایران
Workers Communist Party of Iran
www.wpiiran.org



کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

مطلب این هفته را با گرامیداشت یاد کورش بخشنده از چهره های سرشناس کارگری که در چهاردهم آبان ماه سال گذشته بر اثر ایست قلبی جان سپرد، آغاز میکنم. کورش یک کارگر کمونیست و پیشتاز بود که بدلیل مبارزاتش در دفاع از حقوق کارگران و انسانیت همواره زیر پیگیره و فشار حکومت اسلامی قرار داشت. علیرغم بیماری قلبی به او حکم زندان داده شد. در زندان زیر فشار و شکنجه قرار گرفت و به خاطر این فشارها جان و زندگی اش به خطر افتاد. یاد کورش فراموش نشدنی است.

هفته گذشته یکی از هفته های پر جنب و جوش اعتراضی کارگری بود. تنها در یکروز ۱۱ آبان چند هزار کارگر و مردم معترض از جمله بیش از دو هزار کارگر شرکتی مخابرات از سراسر کشور، بیش از ۷۰۰ نفر از ایخانه داران از سراسر استانها، جمعی از مالباختگان پدیده و بیش از ۵۰۰ نفر از کارمندان صندوق بیمه کشاورزی در مقابل مجلس تجمع داشتند.

مقابل مجلس در هفته ای که گذشت

هفته ای که گذشت، هفته تجمعات بزرگ در مقابل مجلس بود. تنها در یک روز ۱۱ آبان ماه چندین هزار از مراکز مختلف کارگری و بخش های معترض مردم در مقابل مجلس تجمع داشتند. از همین روز از آغاز صبح این روز شاهد جو شدید امنیتی در اطراف مجلس بودیم و در حالیکه فریاد شعارهای کارگری و معترضین گردآمده در محل در فضا طنین انداخته بود و پلاکاردهایی بر سرخواستهایشان در دست داشتند، نیروهای انتظامی در محل مستقر بودند. یک نمونه اش سه روز تجمع سراسری کارگران مخابرات از سراسر کشور بود که هر روز بیش از دو هزار نفر و بعضا با خانواده هایشان در تجمعات شرکت داشتند و حضور زنان قابل توجه بود. فیلم های این تجمعات با شعار های میمیریم، میمیریم، ذلت نمی پذیریم، مخابرات حیا کن، پیمانکار را رها کن، قرارداد مستقیم حق مسلم ماست، گویای فضای اعتراضی این اعتراضات است.

تعرض قرار داده و خواستار پایان یافتن این شکل برده وار کار هستند. این اعتراضات راه را برای دیگر بخش های کارگری که با این معضل روبرویند باز میکند.

این اعتراضات در کنار اعتراضات بازنشستگان صنایع فولاد در روزهای نهم و دهم آبان، و چندین مرکز دیگر کارگری فضای پر التهاب هر روزه مقابل مجلس را به نمایش میگذارد.

رضا شهابی به زندان احضار شد

به گزارش منتشر شده از سوی سندیکای شرکت واحد رضا شهابی عضو هیات مدیره این سندیکا علیرغم اتمام محکومیت شش ساله اش، روز ۵ آبان از سوی دادستانی به زندان احضار شد. بیش از یکسال است که محکومیت رضا شهابی پایان یافته است و زیر فشار کارزاری بین المللی در حمایت از کارگران زندانی، دولت طی گزارشی به سازمان جهانی کار اعلام کرده که رضا شهابی از زندان آزاد شده و به سرکار باز گشته است. سند این گزارش در سایت سازمان جهانی کار موجود است. با این وجود، در مراجعه ربابه رضایی، همسر رضا شهابی معاون دادستان به او اعلام کرده است که شهابی دو سال غیبت داشته و در صورت عدم مراجعه وثیقه وی ضبط و برایش حکم جلب صادر خواهد شد.

رضا شهابی شش سال از زندگی خود را بخاطر مبارزاتش و با پرونده سازی های امنیتی دستگاه قضایی در زندان گذرانده است و اکنون دوباره به زندان احضار شده است. احضار رضا شهابی یک روز پس از تلاش سندیکای شرکت واحد به جمع آوری امضا در مخالفت با لایحه ضدکارگری "اصلاح قانون کار" صورت گرفته است. سندیکای شرکت واحد در محکومیت این

کارگران مخابرات خواستار حذف شرکتهای پیمانکاری، انعقاد قرارداد مستقیم با مخابرات، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، تامین امنیت شغلی و بهبود شرایط معیشتی خود هستند. اهمیت این حرکت اعتراضی تاکید بر خواست حذف دست پیمانکاران از محیط های کار است. و این خواست بخش مهمی از مراکز کارگری از جمله مراکز وابسته به نفت و مجتمع های بزرگی چون ایران خودرو و ذوب آهن اصفهان است. سالهاست که کارگران بر سر این خواست مبارزه میکنند.

بویژه هزاران کارگر پتروشیمی ماهشهر مبارزات گسترده ای بر سر این موضوع داشتند و زیر فشار این اعتراضات دولت احمدی نژاد ناگزیر به صدور قطعنامه ای مبنی بر لغو شرکت های پیمانکاری از محیط های کار شد. اما بعد دولت روحانی با لغو آن مصوبه موقعیت پیمانکاران را در محیط های کار تحکیم کرد. مبارزات سراسری کارگران مخابرات شروع دور دیگر از مبارزات کارگری برای کوتاه کردن دست پیمانکاران از محیط های کار است. جمهوری اسلامی از همان بدو روی کار آمدنش با تکه تکه کردن صنعت نفت و سپردن هر بخش این صنعت و بخش های وابسته به آن به یک پیمانکار، ساختار جدیدی به این بخش کلیدی کارگری داد. جمهوری اسلامی این کار را کرد تا تجربه انقلاب ۵۷ و نقش کارگران نفت در آن تکرار نشود. و بعد نیز همین سیاست را در مجتمع های دیگری چون ایران خودرو و ذوب آهن اصفهان تکرار کرد. بطوریکه امروز خود مقامات دولت سخن از این میگویند که ۸۰ تا ۹۰ درصد شکل استخدام ها، استخدام توسط پیمانکاران و واسطه هاست. کارگران مخابرات با تجمعات سراسری خود کل این ساختار و این بساط را مورد

اقدام دادستانی اطلاعیه ای داده است که در بخش پایانی آن چنین آمده است: "آزار و اذیت و حبس کارگرانی که در پی حقوق حقه خود هستند در حالی افزایش می یابد که مرتبا اخبار اختلاس های چند هزار میلیاردی از رسانه ها منتشر می شود و نه تنها هیچ اقدام موثری برای جلوگیری از غارت و چپاول اموال عمومی در کشور صورت نمی گیرد بلکه انتشار دهندگان این دزدی ها و اختلاس ها را به زندان می برند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن محکوم نمودن اقدامات دادستانی در رابطه با آقای رضا شهابی، همچنین صدور حکم زندان برای آقایان ابراهیم مددی و داود رضوی و اخراج سایر اعضای سندیکا و تداوم اذیت و آزار و تعقیب قانونی دیگر کارگران و فعالین کارگری رامحکوم می کند".

احضار رضا شهابی به زندان، نمونه ای دیگر از امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی است. هم اکنون در اعتراض به پرونده سازی های امنیتی و با خواست لغو کلیه احکام صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان و مردم معترض با اتهاماتی چون اقدام علیه نظم و امنیت ملی کارزاری در جریان است. این کارزار مشترک کارگران و معلمان است. این کارزاری اجتماعی است که به همه مردم مربوط است و کارزاری است در دفاع از حق اعتصاب، حق تجمع، آزادی بیان و آزادی های پایه ای در جامعه که کارگران و معلمان دو نیروی مهم آن هستند. وسیعا به این حرکت اعتراضی پیوندیم. احضار رضا شهابی به زندان را محکوم کنیم. صدور احکام زندان برای فعالین کارگری، معلمان معترض و



نامه اتحادیه کارگران تولیدی استرالیا (AMUW) به آی ال او

اعتراض به احکام شلاق کارگران آق دره و طرح خواست آزادی کارگران زندانی

اتحادیه کارگران تولیدی در استرالیا (AMUW) با تنبیه بدنی در هر شکل آن مخالف است. از همه مهمتر استفاده از تنبیه بدنی برای جلوگیری کردن کارگران از دنبال کردن منافع مشروع خود به عنوان اعضای اتحادیه های کارگری بشدت نگران کننده است.

اتحادیه کارگران تولیدی در استرالیا (AMUW) آگاه است که دادگاه دولتی ایران ۱۷ کارگر معدن طلای آق دره در غرب ایران را به جرم اعتراض علیه اخراج از کارشان، مورد تنبیه بدنی قرار داده است. در برابر این اقدام از نظر اتحادیه کارگران تولیدی در استرالیا (AMUW) حضور دولت ایران در سازمان بین المللی کار با توجه به نقض مستمر کنوانسیون سازمان بین المللی کار و سازمان ملل متحد مورد سوال است.

بعلاوه ما خواهان مداخله فوری شما برای آزادی جعفر عظیم زاده، بهنام ابراهیم زاده و علیرضا هاشمی و همچنین باطل کردن احکام زندان همه فعالین کارگری چون اسماعیل عبیدی، محمود صالحی، محمود بهشتی، داود رضوی، عثمان شهابی، محمد رضای نیکنژاد، مهدی بهلولی، جمیل محمدی و رسول بدایقی شده است. متن ترجمه شده نامه ضمیمه است.

بدنبال تلاش ارسال ناظری از اعضای کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران در کشور استرالیا، آندره دترمر دبیر کل اتحادیه کارگران تولیدی در استرالیا طی نامه ای خطاب به سازمان جهانی کار آی ال او اعتراض خود را علیه اجرای احکام شلاق در قبال ۱۷ کارگر معدن طلای آق دره اعلام داشت و بخاطر اجرای این احکام که نقض کنوانسیونهای سازمان جهانی کار و سازمان ملل است، عضویت جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار را مورد سوال قرار داد. او در این نامه همچنین خواستار مداخله فوری سازمان جهانی کار برای آزادی جعفر عظیم زاده، بهنام ابراهیم زاده، علیرضا هاشمی و لغو احکام زندان فعالین کارگری چون اسماعیل عبیدی، محمود صالحی، محمود بهشتی، داود رضوی، عثمان اسماعیلی، رضا شهابی، محمد رضا نیکنژاد، مهدی بهلولی، جمیل محمدی و رسول بدایقی شده است. متن ترجمه شده نامه ضمیمه است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۲ آبان ۹۵، ۲ نوامبر ۲۰۱۶
<http://free-them-now.com>

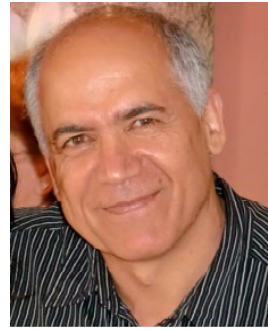
نوامبر ۲۰۱۶
به: گای رایدن دبیر کل سازمان جهانی کار (آی ال او)
دبیر کل گرامی

از صفحه ۸

محمود کنیم. خواستار آزادی بهنام ابراهیم زاده از دیگر چهره های شناخته شده کارگری در زندان و همه زندانیان سیاسی شویم.*

کارگران در ...

فعالین اجتماعی ای چون جعفر عظیم زاده، شاپور احسانی راد، اسماعیل عبیدی، محمود بهشتی، محمود صالحی، آتنا دانشی و... را



مجرم رده اول سعید طوسی نیست اصغر کریمی

شخص خامنه ای و دفتر او و دستور دادستان تهران و صادق لاریجانی صورت گرفته است. میتوانستند از همان موقع سعید طوسی را از رابطه مستقیم با کودکان برحذر دارند و او را از آموزش قرآن به نوجوانان و تماس مستقیم با آنها محروم کنند اما اینکار را هم نکردند. سعید طوسی محصول این سیستم است. میبیند که بدلیل موقعیت خاص او کودکان زیادی قربانی میشوند و مدافعی در هیچ سطحی از حکومت و سیستم قضایی اش ندارند. چنین مجرمی میتواند قربانیان خود را تهدید کند که زیر آب کردن سر آنها کار ساده ای است (اینرا در تماس تلفنی با یکی از قربانیان خود گفته است). زیر آب کردن سر خیلی ها را توسط سپاهیان گمنام امام زمان دیده است. علیرغم توبه نامه اش باز هم دروغ میگوید. دیده است که چگونه مقامات بالای حکومت مانند صادق لاریجانی مثل آب خوردن دروغ میگویند. میبیند که چگونه بالاترین مقامات و بالاترین آیت الله ها پرونده سنگینی از دزدی و اختلاس دارند. خودش گفته است که اگر به او دست بزنند صد نفر را، به جرمی مشابه جرم خودش یا به جرم همکاری با او برای خواباندن پرونده و یا جرم هایی دیگر، پایین خواهد کشید. سعید طوسی ها محصول این سیستم اند.

صادق لاریجانی رسماً کودکان مورد تجاوز قرار گرفته را، که پرونده شان زیر دست او به جایی نرسیده و به رسانه های معاند متوسل شده اند، تهدید میکند و آنها را مجرم می شمارد و خانواده های قربانیان را به خویشتن داری تشویق میکند. و از ای سخنگوی قوه قضاییه حکومت میگوید افشای این موارد خیلی بیشتر به ضرر شاکی است تا متهم.

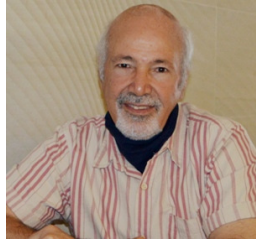
سعید طوسی مجرم رده های

سعید طوسی محصول مستقیم نظام جمهوری اسلامی است. خینی بنیانگذار این حکومت لذت جنسی از طفل شیرخواره را مجاز میدانند، طبق احادیث فراوان اسلامی ازدواج با دختر بچه های ۸ ساله و ۹ ساله مجاز است (ازدواج کلمه مناسی اینجا نیست. کودک ۹ ساله یا ۱۲ و ۱۳ ساله ازدواج نمیکند مورد تجاوز جنسی قرار میگیرد) و قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز بر اساس احکام اسلامی ازدواج با دختر بچه ها (تجاوز جنسی به کودکان) را مجاز دانسته است. طبق این قوانین سالانه هزاران دختر ده دوازده ساله رسماً در اسناد رسمی جمهوری اسلامی به ازدواج در می آیند. آیا همین کافی نیست تا ادعا کنیم که سعید طوسی محصول مستقیم این نظام و این دین و این حکومت است؟ و در این صورت آیا مجرم اصلی بنیانگذاران این حکومت نیستند؟

امروز معلوم شده است که این قاری قرآن از سال ۸۰ یعنی از ۱۵ سال قبل مشغول سوء استفاده جنسی از نوجوانان ۱۱ تا ۱۴ ساله بوده است. اما حتی اگر فرض کنیم که خامنه ای و دفتر او و مقامات قضایی و همپالکی های طوسی در شورای عالی قرآن از اعمال او مطلع نبوده اند، لااقل از سال ۹۰، از طریق شکایت خانواده های کودکان که مورد تجاوز سعید طوسی قرار گرفته اند، در جریان این موضوع بوده اند. امروز همچنین روشن شده است که جلو این پرونده را بدلیل موقعیت خاص سعید طوسی، یعنی قاری محبوب رهبر، قاری مجلس اسلامی و قاری بین المللی حکومت، گرفتند. بر احداثی پویشیده نیست که متوقف کردن و نگهداشتن این پرونده در کشو میز لاریجانی با صلاحدید و توصیه

سعید مرتضوی به ۱۳۵ ضربه شلاق محکوم شد

کاظم نیکخواه



هزاران میلیارد تومان دزدی آشکار سعید مرتضوی را نه بعنوان اختلاس و دزدی، بلکه تحت عنوان "تصرف اموال عمومی" مطرح کرده اند تا محکومیت او را از زندان و اعدام به چند ضربه شلاق تخفیف دهند. اما

اما بطور واقعی نکته اصلی در این حکم این جنبه ها نیست. نمیشود از دادگاه کذابی حکومت اسلام انتظار داشت که با استانداردهای پیشرو بین المللی آنها نسبت به دست اندرکاران خود حکومت عمل کند. اما این از نظر ما مردم بسیار و بسیار مهم است که حکومت اسلامی ناچار شده است یکی از سوغلیهای بیت رهبریش را محاکمه و به شلاق

جرایم و جنایات و دزدیهایی که سعید مرتضوی مرتکب شده، این مجازات نیست. بلکه جایزه است. سعید مرتضوی قاتل زهرا کاظمی است. جلاد کهریزک است. شکنجه گر و کشتارگر حکومت طی سالهای سال بوده است. و دزدیهای هزاران میلیاردی نیز در تأمین اجتماعی بر همه کس عیان است. یک قلم از این جرائم برای اینکه او تمام عمرش پشت میله های زندان بماند کافی است. قوانین حکومت به کسانی مثل مه آفرید خسروی حکم اعدام داد و سریعاً اجرا کرد تا همدستانش که گویا یکی از آنها همین سعید مرتضوی بود افشا نشوند. حتی برای بابک زنجانی تقاضای اعدام شده است. اما اکنون

روز سه شنبه ۱۱ آبان وکیل کارگران شاکی سعید مرتضوی خبر داد که دادگاه اسلامی در تهران سعید مرتضوی را به جرم تصرف اموال عمومی به ۷۰ ضربه شلاق و به جرم تضییع اموال عمومی به ۶۵ ضربه شلاق محکوم کرده است. این وکیل گفته است که اتهام سعید مرتضوی اختلاس بوده است اما رئیس دادگاه آنرا به تصرف اموال تغییر داده است.

قطعاً همه مردم از اینکه این موجود خبیث تحقیر میشود خوشحالند. حتماً حتی آن بخش از مردم که از مجازات شنیع شلاق متنفرند از شلاق خوردن سعید مرتضوی استقبال خواهند کرد. گرچه همه میدانند که نسبت به

محکوم کند. این شلاقی نه فقط به سعید مرتضوی بلکه به شخص خامنه ای است.

هیچکس تردیدی ندارد که از بالا تا پایین حکومت همه دزدند و همه جنایتکار و قاتلند. سعید مرتضوی بدون دستور خامنه ای و سران حکومت کاری انجام نداده است. سعید مرتضوی کاری متفاوت از سایر سران حکومت انجام نداده است.

اما اگر امروز ناچار میشوند او را به شلاق محکوم کنند، این زیر فشار ما مردم است. زیر فشار کارگران و همه کارکنان عضو تأمین اجتماعی است. زیر فشار خانواده های جانبختگان کهریزک است. زیر فشار جنبش حق طلبانه مردم است. بدون تردید با گسترش این فشارها ممکن است امروز و فردا کسان دیگری از حکومت را هم به جرم جنایت یا به جرم دزدی و اختلاس محاکمه و محکوم کنند. این شروع فروریختن دیوارهای قلعه خبیث حاکمیت است.

همه میدانند که سالهاست سعید مرتضوی به اتهام قتل و شکنجه زهرا کاظمی و جناختگان کهریزک تحت تعقیب دادگاههای بین المللی بود. اما سران حکومت از خامنه ای تا احمدی نژاد و بقیه او را زیر پروبال خود گرفتند. امروز این پروبال هاست که نحیف و بی خاصیت شده است و سعید مرتضوی چهره شاخص و منفور حکومت اولین قربانی این بی خاصیت شدن پروبال حکومتی هاست.

از نظر مردم سعید مرتضوی باید به جرم قتل و جنایت و شکنجه و دزدی علناً و در پیش چشم مردم محاکمه و محکوم شود. و همه همدستان و همکارانش معرفی شوند و کل جنایات او در کهریزک، و در زندانهای تهران و در همه جا جلوی چشم مردم قرار گیرد. این را بدون تردید در آینده ای نزدیک به حکومت تحمیل خواهیم کرد.*

کارکنان مخابرات همراه با خانواده های خود سه روز مقابل مجلس تجمع کردند



داخل مجلس فراخواندند و جلسه ای با شرکت برخی نماینده های مجلس، نماینده پارلمانی وزارت ارتباطات در مجلس و نماینده های کارگران برگزار شد. در این جلسه که به مدت سه ساعت طول کشید توافقاتی پیرامون اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، تضمین امنیت شغلی و عدم تهدید و اخراج کارگران شرکت کننده در تجمع صورت گرفت اما از آنجا که با خواست اصلی این کارگران یعنی حذف شرکتهای پیمانکاری و انعقاد قرارداد مستقیم توافقی به عمل نیامد این جلسه بدون نتیجه پایان یافت. نمایندگان مجلس خواستند کارگران به تجمع خود ادامه ندهند. نیروهای سرکوب نیز فضا را امنیتی کردند. کانال تلگرام کارکنان شرکتی مخابرات نیز قطع شد اما علیرغم این کارگران روز ۱۱ آبان نیز برای سومین روز متوالی دست به تجمع زدند. کارگران شعار

میدادند قرارداد مستقیم حق مسلم ما است، مخابرات حیا کن پیمانکارو رها کن و بر خواست اصلی خود یعنی قطع دست پیمانکاران تاکید کردند. همزمان زمزمه اعتصاب سراسری در میان کارکنان شرکتی مخابرات قوت گرفت. نمایندگان مجلس مجبور به عقب نشینی شدند و عصر روز سه شنبه نامه ای با امضای ۱۱۲ نماینده مجلس، از جمله رئیس مجلس، خطاب به وزیر ارتباطات و فن آوری اطلاعات مبنی بر پذیرش خواسته های کارگران منتشر کردند.

بیش از ۲۰۰۰ نفر از کارکنان شرکتی مخابرات از روز ۹ آبان در مقابل مجلس دست به تجمع اعتراضی زدند و پس از سه روز تجمع همراه با تعدادی از خانواده های خود، با وعده های داده شده به تجمع خود پایان دادند. کارگران التیماutom دادند در صورتی که این وعده ها متحقق نشود مجدداً دست به تجمع خواهند زد. مطالبات اصلی کارگران حذف شرکتهای پیمانکاری، انعقاد قرارداد مستقیم با مخابرات، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، تأمین امنیت شغلی و بهبود شرایط معیشتی است.

مصوبه دست پیمانکاران را برای استثمار شدیدتر و بیحقوقی بیشتر کارگران باز گذاشت. کوتاه شدن دست پیمانکاران از محیط های کار و عقد قرارداد مستقیم با کارفرمایان یک خواست محوری کارگران است.

روز ۱۱ آبان علاوه بر کارکنان مخابرات، کارگران چندین مرکز کارگری دیگر نیز در مقابل مجلس

دست به تجمع زدند. نیروهای سرکوب حکومت، از جمله نیروهای موتور یگان ویژه، از ترس گسترش اعتراضات و پیوستن مردم به این تجمعات، از ساعت ۷ صبح خیابانهای اطراف مجلس را در کنترل خود گرفته بودند.

حزب کمونیست کارگری ایران ۱۲ آبان ۱۳۹۵، ۲ نوامبر ۲۰۱۶

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: شهلا دانشفر

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود